

فيلم مستند «تخت گاه هيچکس» يا افشای یکی از بزرگترین جعل های تاریخی در منطقه بخش یازدهم

موزیک

آثار این ابنیه هارا کنار دروازه ملل هم میتونیم ببینیم.



موزیک

شاید همینجا بتونیم بگیم وختی گفته میشه اگر دیواری خراب بشه از خودش آوار باقی می گذاره منظور چی یه؟



موزیک

ناصرپورپیرار: ببینید توی سیستم بنا های کهن وختی یک مجموعه ای تخریب میشه آوار از خودش باقی می گذارد. این آوار بستگی به همون محل تخریب شده ممکنه تاحدی باشه که تمام آثار بنای قبلی را ببریذ زیر آوار.



و شما وختی وارد این محوطه باستانی میشید یا واقعاً باستانی میشید جز زمین تخت نه می بینید. باید حفاری انجام بدهید ، آوار ها را بردارید تا دیوار پیدا بشه. دقت می کنید. بخصوص در مجموعه های دیوارهای پهن دارند. که تخت جمشید یکی ازون مجموعه هاست که دیوارهایش همه عریض و پهنه. اگر محاسبه کنیم این دیوار ها اگر تخریب شده باشند در طول زمان ، بایستی چنان تپه ای از آوار ایجاد کرده باشه که حتی تمام

د پانو شمیره: له ۱ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

ایسفنکسها را زیر آوار خودش گم کرده باشد اما از قدیمترین توصیفها و تصویرها و نقاشیهای که ما ازین محوطه داریم، این محوطه همین اسفنکسها و همین ستونها فقط دیده میشه بدون یک سطل آوار.

نطاق ۱

در داخل محوطه قطعه سنگ حجاری شده ای وجود داره که معلوم نیست به کدوم قسمت تخت جمشید متعلقه. در آخر حجاری این سنگ را که اینجا رهاش کرده اند بررسی می کنیم.

موزیک

قبل از شروع بررسی باید توجه داشت همونطور که قبلاً هم ذکر شد حجاریهای تخت جمشید تنها نمونه های کاپی شده از حجاریهای قدیمی در منطقه ماست. بطور مثال به ایندو حجاری نگاه کنید.

موزیک

به امتداد این نیزه خوب نگاه کنید که تا بالای قاب رفته ؟



موزیک

حالا به این نیزه دیگه در طرف دیگه همون قاب توجه کنید.



موزیک

این شبهه بلوک هنوز برداشته نه شده احتمالاً سر نیزه تراش فرد دیگه ای بوده که کارشرا هنوز شروع نه کرده.

موزیک

گلکاری دور قاب هم ناقص و سطح قاب هم هنوز بطور کامل تراش نه خورده.



موزیک

نتیجه گیری [گفتگوی با ناصر پرو رپیرار پیرار]

پرسش : سوالیکه دوباره مطرح میشه چرا کار ساخت تخت جمشید نیمه کاره دوباره به حال بخودش رها میشه ، چه عواملی باعث میشه که این همه هزینه و صرف وقت که



د پانو شمیره: له ۲ تر ۷

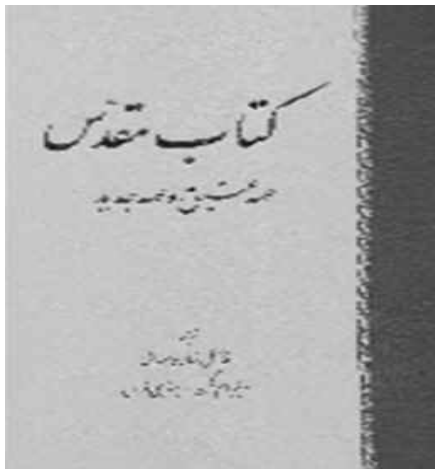
افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

توی این بنا به کار برده شده یک دفعه [یک دم] به حال خودش رها میشه و بعداً هم کسی نیست که دیگه این بنا را بیايد و این بنا را کامل کند و ادامه بده [بدهد].

ناصرپور رپیرار : ببینید فهم پاسخ این سوال شما هنگامی آسان میشه که ببینند بپذیرد که مجموعه تخت جمشید یک مجموعه نیمه کاره است. چیزیکه ما اطمینان قطعی داریم و خواهان رسیده گی بهش ایم [به آن هستیم] و حتی [یه] یک هیئتی را از نظام مهندسی ایران به طور رسمی دعوت کردیم به بازدید همه این عیوب در تخت جمشید و آنها به طور رسمی به ما پاسخ دادند که این مجموعه آنقدر [آن قدر] عیوب معماری تویش [در آن] زیاده [زیاد است] که نه میتونه [نه میتواند] یک مجموعه تمام شده باشد. آنگاه سوال گردن کلفتی [این] وسط سر بلند میکنه که میپرسه چرا این همه سرمایه گذاری و این همه کار مادی و این همه سعی و کوشش و این حجاری و این سنگ حمل کردنها ، درگاه ساختن ها و غیره و ... ذالک و... چرا این ها به [حال] خودش رها شده ؟ چرا این سرمایه گذاری نادیده گرفته شده؟ چرا هیچ وخت کسی این کار را ادامه نه داده؟ آنگاه در بررسی مسئله بیکی از فاجعه بارترین حوادث تاریخ بشری که [وقفه] ه بهش میگیریم قتل عام بزرگ پوریم ، که در منطقه شرق میانه در دوران حکومت خشایار شاه انجام شده و منجر به نابودی و نسل کشی کامل انسانها در منطقه ما شده ، کسانیکه در مقابل تسط هخامنشیان دفاع میکردند و مقاومت میکردند و ایستادگی میکردند طی یک برنامه بزرگ از پیش طراحی شده بسیار بسیار خشن و پر از خونریزی بیرحمانه است که اشاره های خیلی آشکار و مفصل و توضیح دهنده در فصل [استر] کتاب تورات هم وجود داره یک چنین نسل کشی در منطقه ما انجام شده.

روی صفحه [کتاب مقدس : عهد عتیق و عهد جدید]

روی صفحه [کتاب دوازدهم مؤرخان معروف به کتاب استر و مشتمل برده فصل]



همزمانی این نسل کشی با نشانه های دیگر تاریخی و از جمله متوقف ماندن ادامه ساخت تخت جمشید ، به راحتی بیان می کند که سازندگان بنای تخت جمشید هم در زمره کسانی قرار داشتند که باید معدوم میشدند در بین نسل کشی. یعنی هنرمند و حجار و بنا و معمار و طراح و هر کسی دیگری که درین محوطه مشغول کار بوده ناگهان مورد هجوم قرار گرفته و همه قتل عام شده اند. وگرنه مهال است که یک حجاریکه دارد ، مثلاً یک دایره میان یک گل ، یا گلبرگه در میاره در نیمه کاره رهاش کنه. چنین کاری نه فنی است و نه هنرمندانه ، نه اصولاً سابقه داره. کسیکه داره یک کار حجاری را انجام میده اون کار را تمام میکنه و کارشه ترک میکنه.

پرسش : این هخامنشیان چه ماهیتی دارند و برای چی این نسل کشی را مرتکب شدند و انجام دادند.

ناصرپور رپیرار : اساس قضیه اینجاست که هخامنشیان یک بازوی اجیر شده نظامی برای یهودیانه ، برای به وجود آوردن امکان تجدید سازمان و تجدید حیات و تجدید بنای اورشلیم و معدوم کردن تمدنهای منطقه که یهود بتواند از آن پس به آرامش و اطمینان خاطر در منطقه زنده گی کنند. این قضیه چنانکه باز دلایل متعدد میتوانیم ارایه بدهیم منجر به خیزش و مقاومت عمومی تمام اقوام منطقه علیه هخامنشیانیکه بازوی نظامی یهود اند میشه. این مقاومت تا آنجای پیش میره که نزدیک به شکست برنامه یهودیها میشه. و چیزی نه می مانه که دو مرتبه یهودیها احساس یک سلسله خطر میکنند که یک بابل دیگر و یک اسارت دیگر در راهست. آنگاه چنانکه تورات میگه اینها تصمیم میگیرند که یک خونریزی. به شکل کودتا راه ببندازند که اسم شانرا می گذارند پوریم. و بقایای موجود در منطقه اثبات میکنند که این حادثه رخ داده است.

پرسش : چند سال حکومت میتوانیم برای هخامنشیان در نظر بگیریم؟



د پانو شمیره: له ۳ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولئ

ناصرپورپیرار: هیچ سالی حکومت نه می توانیم چیز کنیم [در نظر بگیریم] جنگه ! ، دقت می کنید ، هیچ سالی تسلط نه میتوانیم بر شماریم . هخامنشیان از لحظه ورود به منطقه با مقاومت منطقی روبرو بودند تا پوریم . تصویر دقیق این مقاومت در کتیبه بیستون داریوش ثبت است . اونجا سی [تا] [۳۰] ملت را بر می شماره که دائماً با او در حال جنگ بودند . پس این آدم که سی ملت به دفعات باهش [با آن] می جنگند کی وقت داشته که حکومت بکنه .

پس خود این مسئله و دال بر تسلیم ملتهای منطقه به او هست که دارن برایش هدایای برند همه این ها مسایل رخ نه بنای آیدانا هست و چون اگر اون تالار اگر هرگز ساخته نه شده پس آن مراسم هم هرگز اتفاق نیافتده دیگه . پس شما داده در تاریخ اند . چون اگر اون تالار اگر هرگز ساخته نه شده پس آن مراسم هم هرگز اتفاق نیافتده دیگه . پس شما اصلاً نه میتوانید در تاریخ ، امپراتوری هخامنشیان معرفی بکنید . چون مرکزی برایشان ندارید ، آثاری ازین تسلط در منطقه ندارند ، تنها و مهم و معتبر ترین جای را تا که حالا معرفی کرده اند تخت جمشید است که تخت جمشید هم یک بنای کاملاً در ابتدای کوشش برای ساختش متوقف مانده و ما هیچ مرکز دیگری هم از آنها نه می شناسیم . بنابراین این حکومت حتی سکه ندارند . این چه [چگونه] امپراتوریست که نه میتواند سکه برای از خودش به تاریخ معرفی بکند . اما ۱۲۷ ملت را تسخیر کرده و امکانات [شان] را در اختیار داشته ، اینها افسانه های یهود ساخته است . و همه اش به قصد این است که اون ماجرای رخ داده به آن قتل عام وسیع و پردامنه پوریم مخفی بماند .

پرسش : این جعلیات را کی وارد تاریخ کرده؟

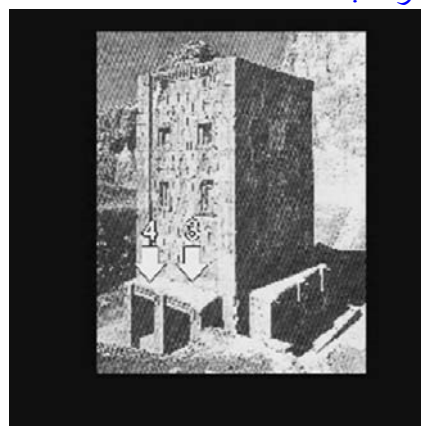
ناصرپورپیرار: دانشگاه های اروپا و امریکا

پرسش: یعنی همه اینها را دانشگاه های اروپا ؟

ناصرپورپیرار: بلی بلی . کل اینها بوسیله دانشگاه های آلمان ، فرانسه ، انگلیس و امریکا انجام شده . چیزیکه درین جعلیات بسیار بسیار جالب توجه است این است که نویسندگان این تاریخ های پر از مجهولات و پراز حقه بازی [چون اینجا باید ف حقه بازی] شیدادی مطلق ؛ ، نویسنده گان . اینها اعم از اینکه روس بودند یا آلمانی بودند یا فرانسوی بودند یا انگلیسی بودند یا امریکایی بودند دریک چیز وجهه مشترک دارند یعنی در دو چیز . یک : همه یهودی اند . پس پنهان کردن مسله پوریم جزو خواسته های قومی و دینی شان بوده . دوم اینه که علی الرغم اینکه همه این آقایون احتمالاً در مورد تاریخ و علل بروز جنگ جهانی دوم هیچ توافقی نظریات شان باهم دیگه نداره یا در مورد تمدن یونان باستان ، یا در مورد تمدن روم باستان نظریاتشان هیچ هم خوانی و همسانی باهم نداره ، عجیبه که این مجموعه این [پکینگ] مورخین و باستانشناسان و ایران شناسان و مرمت کاران و هنرشناسانیکه در مورد شرق میانه و ایران اظهار نظر کرده اند ویا مطلبی نوشته اند همه با هم موافق اند . هیچکس مخالف اندیگری نیست . همه از یک مبنا و از یک به اصطلاح مبتدا به اصطلاح صحبت می کنند . گویی یک متن را دارن میخونن . هیچ کس نیست که معترض باشد که بگوید نه اینجا اینجوری نه بوده اونجا اونجوری بوده .

پرسش : دامنه این جعلیات چه قدره؟ آیا با توجه به این جعل ها قصد نفاق افگنی بین ماها را نداشته اند؟

ناصرپورپیرار: تا آنجاییکه به منطقه و حوزه پوریم مربوط است این جعل دامنه اش بی پایانه . یعنی شناسایی اش هم کار دشواریست . ولی آنچه یکه ما میدونیم ، اطلاعاتیکه در مورد تخت جمشید و همه هخامنشیان وجود داره غلط و نادرسته . اطلاعاتیکه راجع به اشکانیان وجود داره غلط و نادرسته . اطلاعاتیکه راجع به ساسانیان وجود داره غلط و نادرسته .



د پانو شمیره: له ۴ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
دلیکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ

ما در مورد ساسانیان به ساده گی میتوانیم برای هر آدم بیطرفی اثبات بکنیم که کتیبه هاییکه بنام ساسانیان در منطقه نقش رستم وجود دارد نه کتیبه های باستانی اند بل کنده کارهایست دانشگاه شیکاگو در ۶۵ سال پیش در منطقه انجام داده [بوسیله برجسته ترین استادانش] این اسباب شرمندگیست برای تمدن غرب که یک دانشگاه پر آوازه اش مأمور می فرسته تا برای انحراف تاریخی و ذهن تاریخی ملتی کتیبه باستانی جعل بکنن. این جعلی که در نقش رجب هم اتفاق افتاده در غار شاه پور هم انجام شده، در پاسارگاد هم انجام شده وختی وارد این حوزه بشید می بینید اینها از هیچ وسیله ای برای منحرف کردن به اصطلاح اطلاعات تاریخی ما صرف نظر نه کرده اند از هیچ وسیله ای.

پرسش : پوریم مسئله بود که در دوره ما توسط شما کشف شده این واژه. یعنی واژه ای که شاید در هیچ جای دنیا بهش اشاره نه شده و حتی ویل دورانت هم این واژه را نه می شناسه این چه جوری میشه که این واژه اصلا از سطح کل دنیا
.....

ناصرپو رپیرار: خود این هم یک پرده دیگری از کارهای ناشایستیت که مسؤولین فرهنگی یهود باید بهش جواب بدهند. اینه که [تو این بی] یا [ویل دورانت چنینکه شما میگویند که همه زوایای تاریخ را بهش مسلط اند ظاهرا وبحث های پر از افت و خیزو نه میدانم حواشی می کنند در مورد حوادثی که در جهان رخ داده در تاریخ ملتها رخ داده در فرهنگ و پیشینه وسنتها و این و ان رخ داده حتی مثلا بحثهای می کنند راجع به توفان نوح ، و نقش آنرا در تمدن و تاریخ بشر بیان می کنند ؛ اینکه این آدمها با وجودیکه در تورات یک فصل کامل راجع به پوریم وجود دارد گویا تورات را اصلا نه خوانده باشند وارد ایتم پوریم نه شده اند ، این غیر طبیعی [است]. معلوم است که از جای فرمانبری کرده اند. وگر نه آدم مثل ویل دورانت یا تو این بی نه می تونه با پوریم آشنا نه بوده باشه. شمادر کتابهای تاریخ که در جهان موجوداند به هر زبانی در اعلام این کتابها کلمه پوریم را پیدا نه می کنید. هیچکس نه گفته که همچو یک اتفاقی در دنیا افتاده ، من نه میگم تفسیرش کرده باشه اصلا نه گفته که چنین اتفاقی در منطقه خاور میانه افتاده . انسکلوپیدیای اطلاعاتی درجهان در مقابل پوریم توضیح ندارند. پس این یه [یک] برنامه ریزیست. این طبیعی نیست. کسانی خواسته اند که این قضیه مسکوت بمانه. همون کسان با ساختن تاریخ قلابی جعلی ، که این جعل دامنه بسیار وسیعی داشته خواسته برای ملتهای منطقه عامل عقب افتاده گی شان که پوریم است شناخته نه شه. امروز میگن عامل عقب افتادگی مردم بین النهرین و شرقمیانه ، اسلام است. دقت می کنید. پس ببینید این شیدای همه جانبه اعمال شده . اسکندر سهمی بهش برده شده ، اسلام سهمی بهش داده شده و مغول هم سهمی ، اما مرتکب اصلی هیچ پیدا نیست.

پرسش : پس اگر تخت جمشید بنای کامل نیست چه جوری میتونه یونان ادعا بکنه که مثلا اسکندر اومده و این بنا را به آتش کشیده باشه ؟ این جعلیات چی وظیفه اجرا می کنه ؟

ناصرپو رپیرار: حقیقت اینه که ما امروز چندان به استدلال و منطق و اسناد مجهزیم که میتوانیم به خوبی و به راحتی اثبات بکنیم که هرگز امپراتوری ای به نام امپراتوری هخامنشیان در منطقه ما شکل نه گرفته و اگر این امپراتوری شکل نه گرفته در اندازه شکل نه گرفته که حتی نه توانسته یک بنای حکومتی برای خودش تدارک ببینه که محل مرکز استقرار خودش قرار بده پس این یک مجموعه سیاسی -نظامی باطول عمر بسیار کوتاه. به دنبال این می بینیم که وختی یک سلسله یا یک مجموعه سیاسی نظامی ، پایگاهی برای اداره امور نداره یا ما نه تونستیم پایگاهی برای او پیدا کنیم و ممکن نیست که پایگاه از یکی امپراتوری که باید تقریبا به همین وسعت باشه اگر نظیر دیگری داشته باشه این که نه می تانه گم و گور شده باشد در جغرافیای منطقه ما ، و میدانید که در منطقه ما یکی از حساسترین مناطق باستان شناسی جهان است و تقریبا زیر و رو شده. ما از هخامنشیان عمده ترین جاییکه پیدا کردیم همین تخت جمشیده ، اگر تخت جمشید هم یک مجموعه نیمه کاره و غیر قابل استفاده است پس این امپراتوری یک امپراتوری مؤقتی است که در چادر هازنده گی میکرده. با همین بررسی فرهنگی ما میتونیم اثبات بکنیم که اون ادعا ها در باره اینکه صدوبیست ایالت و سرزمین کشور زیرکلید هخامنشیان اداره میشده قصه محض است. چون شما باید ازین هخامنشیان در هند یاچنانکه میگن درحیشه یا مثلا در هر کجای دیگه ایکه زیر کلید اونا بوده یک پایگاه اقتدار، یک مسند نشان بدهید که یک کسی اونجا به نام اینها منطقه را اداره میکرده، شما که این چیزها نداریم در دنیا. این تنها هویت هخامنشیست که میشه بهش اتکا کرد اونهم که کاملا معلومه نیمه کاره است پس اون آوازه هاییکه درباره نفوذ او درجهان به شکل سیاسی یا فرهنگی یا حتی نظامی گفته میشه مثلا لشکر کشی خشایارشا به یونان هنگامیکه خشایارشا نه توانسته است یک اطاق برای خود توی تخت جمشید بسازه چی جوری این هم آدش هم رفته ، با کدام امکانات ، با کدام مراکز اداری نظامی ، این سپاهشه کجا نگه میداشته ، و ختی که خودش جا نداره، این لشکریان اسپهپاشانه ، [الیخای] هاشانه کجا نگه میداشتند شما این آثاررا از حضور مثلا امپراتوری روم در تمام جزییات درسراسر اروپا می بینید ، هر کجای چه اطریش ، چه آلمان ، چه لهستان [پولند] ، چه خود ایتالیا یا حتی در یونان یا

د پانو شمیره: له ۵ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
: دلپکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولئ

در بین النهرین . شما وختی حرکت می کنید جا بجا انواع و اقسام آثار یونانی یا رومی می بینید . این پل ، اون ورزشگاه . خوب حالی هخامنشیان شما کجا یک طویله ساخته ما بریم ببینیم ، کدام پله اونا ساختن ، کجا ورزشگاه داشتند ، مبعث شان کو یکی آخر ، اینکه نه میشه که شما بنشینید هرچه دلتان بخواهد بگویند و اینرا بخواهید جهان هم باورکنه؟ حالا این ها با تبلیغات مخصوصی هنگامیکه با شیوه ها و شگرد های بسیار بسیار کثیف سکوت در باره هخامنشیان جاری کرده اند و کسی سوال نه داده این حکومت و ، امپراتوری و سلسله پر اقتدار ، اقتدار خودشه چی جوری ثابت میکنه ، با کلمات؟ مثلاً [کلوزوم هایبکه] در روم هست و یک ورزشگاهه ، حالا ممکنه یکمقدار افسانه در اطرافش در باره اینکه مثلاً اینجا شیر ها مثلاً مسیحیان را میخوردند یا نه میخوردند، ما به هر حال قفس همون شیرها رادر آن زیر زمینها داریم حالا نه میتانیم بگیم حتماً مسیحی را میخوردند یا غیر مسیحی را ولی نه می توانیم بگیم که اینجا اصلاً ورزشگاه نه بوده و من وختی میگو کلوزوم چون همه میدونن این چی یه . اینقدر آثار حضور امپراتوری روم ، و به اصطلاح نفوذ یونانی ها در منطقه ما هست ، نه فقط در اروپا ، در منطقه ماهست که هیچ عقل سلیم نه می تونه بگویی که نه اینها اون تحریفها و توصیفها دیگه ازه شان میشده مثلاً یک خورده اغراق آمیزه بلکه من میخوام بگویم که حتی کمتر از آنچه که لازم بوده در باره اقتدار اینها و توانایی های فنی ، هنری ، تکنیکی، معماری و غیره شون صحبت شده ، آخر کو ، پس مال این سلسله عظیم هخامنشیان که همه جارا زیر نفوذ خودش داشته ، به مصر میرفته ، به یونان میرفته ، صدو بیست و هفت استان را، اقوام و منطقه را اداره میکرده اینها افسانه هاست که با منظور های معینی که در درجه اول پوشیده نگه داشتن اینکه این آغایونی که شما هخامنشیان ، امپراتوری هخامنشیان میگوین ، یک دونه اتاق ندارند که توپش زنده گی بکنن.

پرسش : بعد از خاکبرداری از مجموعه تخت جمشید سلسله لوحه های بدست میاید که این لوحه ها الان توسط دانشگاه شیکاگو برده شده و حالا سوالی که اینجا پیش میاید اولاً این لوحه ها چی اند و چرا دانشگاه شیکاگو اینهارا بر نه می گردونه و از مهمتر اینکه چرا به همتی از جانب خود ما نه میشه تا این لوحه برگردند.



ناصرپورپیرار : هیئات اینه که این لوحه دو سری [گونه] اند. یک سری لوحه هاست که درگنجینه دیوارشمالی حصار تخت جمشید پیدا شده یک سری هم لوحه هاست که در همین محوطه خزانه پیدا شده در یکی ازین اتاق ها . همه ای این لوحه ها به زبان ایلامیست دقت می کنید ، و هیچ ربطی به هخامنشیان نه داره. مطالبش که به نظر من قابل خواندن نیست یک بحث دیگریست که من با خیلی اختصار از رویش عبور می کنم اینه که خواندن خط ایلامی و خط بابلی یک کار غیر ممکنه.

و هرکسی ادعای خواندن خط ایلامی یا بابلی می کند از موهومات صحبت می کند. زیرا همین مقداریکه اینها میگویند ما خط ایلامی و بابلی را خوانده ایم برابر افسانه ایکه رویش گذاشته اند عبارت از اینه که اینها هنگامیکه خط میخی داریوشی را در کتیبه بیستون ، موفق به کشف رمزش میشن و میخوانن آنگاه با تطبیق کتیبه های به خط میخی داریوشی با کتیبه هایبکه با خط ایلامی یا خط بابلی در همون نقطه نوشته و با فرض اینکه این متن هردو یک چیزاست آنگاه گفته خوب اگر اینجا این کلمه در خط میخی فارسی داریوشی [شاه است] پس این کلمه جانشینش در آن کتیبه بابلی باید شاه باشد یا اون کلمه دیگر در کتیبه ایلامی هم باید شاه باشه. به این ترتیب میگویند که بلی هر جای شما همچو یک شکلی در ایلامی دیدید شاه فرض کنید چون ایریوگرام اون خط حروف نیست مجموعه از چیزهاست [خط فاصله، خط تصویری مصر و خط میخی داریوشیست.] کمی پیچیده تر از خط میخی داریوشی که همین هم خیلی پیچیده تر از خط میخی داریوشی و خیلی آسانتر از خط هیروگلف مصری است. دقت می کنید. خوب اگر ما حتی همین داستان را هم قبول بکنیم پس فقط میتونیم آن کلماتی را از ایلامی یا بابلی بخوانیم که معادلی در خط میخی داریوشی داشته باشد چون آن چیزی که در کتیبه های میخی داریوشی نیست مثلاً کلمه عقاب مثلاً کلمه نان ، مثلاً کلمه بسم الله یا مثلاً سلام یا هر چیز دیگر بسیاری از چیز های دیگر حداکثر ۵۰۰ تا کلمه مجرد است ولی در یک زبان ممکنه چندین هزار واژه باشه. اون چیزی که در اون کتیبه ها است هنوز هم نه میتواند بابلی یا ایلامی بر ایما

آشکار باشد. چون شما تشخیص اینکه فرض بگیریم فلان شکل در ایلامی به فلان حرف تعبیر میشه مثلا بگیریم همیشه افه میشه که داله میشه که [ز] است اگر ما مثلا فرض کنیم که یک کلمه در یک کتیبه یی دیدیم که ایلامی نوشته بود [اَکَز] اگر فرض کنیم وختی نه میدانیم [اَکَز] یعنی چی؟ برای اینکه ما کتیبه دیگری نداریم که توی ان ادر آمده باشه آنهم به زبان میخی داریوشی، بعد بگیریم چون به زبان میخی داریوشی این ادر همون عدس ماست مثلا، و یک کتیبه مشابه اون هم باشه به ایلامی یا به بابلی، بعد بگیریم خوب این ادر ...



اینها هیچ کدامش میسر نیست. نمونه بیرون هم نداره. بنابراین افسانه های بافته شده حول این چیز، حول این کتیبه ها، از جمله اینه که داستانها ساختن در باره اش که بلی اینجا نوشته که زنه ای حامله نه میدانم حقوق حاملگی می گرفتند و یا به این چیز های [، عی به] باور نه کردنی که نه میدانم کاریگرها اضافه کار می گرفتند، بیمه بودند، نمیدانم باز نشسته گی داشتند این حرفها، این ها را ضمائم به معنی و بی سرو ته ایست که به قصد بزرگنمایی سلسله هخامنشیان از این لوحه های به کلی ایلامی که مربوط میتواند باشد به مسایل [زیگوراتهای] ایلامی یا روابط بین شون، این افسانه ها را ساخته اند به بیان به اصطلاح نادرست اینکه ما این کتیبه ها را خوانده ایم که بتونن این سلسله شونو [شانرا] حفظ کنند. وگرنه شما یقین بدانید ما در مباحث بعد یا هر کجای دیگر که لازم باشه اثبات می کنیم که همونجوری که بنای تخت جمشید در هنگام ماجرای پوریم متوقف شده تمام سلسله هخامنشیان پس از ماجرای پوریم حضور نه نماید چون کسی دیگر در منطقه نیست که امپراتور لازم داشته باشه اونها پس ازین قتل عام به سرزمین های اصلی خودشان یهودی یا به اورشلیم و هخامنشیان که در اصل از قوم [خزر] در قسمت جنوب [اسلاو و روسیه کنونی باشه] به سرزمینهای شان بازگشتند برای این منظور به اندازه کافی اسناد وجود داره و من در کتابهایم ذکر کرده ام.

باقی دارد

یادداشت:

برای دیدن این فلم مستند تاریخی به بخش آ، گ، او، تی وی صفحه تحلیل ها تحت عنوان Documentary film

د پانو شمیره: له ۷ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ